

آثار اجتماعی صبر از منظر نهج البلاغه

و بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام^۱

معصومه ترکان^۲

نجمه ملائی برجهری^۳

چکیده

زندگی اجتماعی انسان‌ها در دنیا با مشکلات عجیبی آمیخته است که اگر در برابر آن بایستند و شکیبایی به خرج دهند، به یقین پیروز خواهند شد و اگر ناشکیبایی کنند و در برابر حوادث زانو زنند، به مقصد نخواهند رسید. صبر یکی از فضیلت‌های بسیار ارزشمند اخلاقی است که در قرآن کریم تأکید فراوان شده است. این فضیلت، علاوه بر اینکه در زندگی فردی تأثیرگذار است، در زندگی اجتماعی نیز جایگاهی خاص دارد. صبر اجتماعی، به معنای تحمل سختی‌ها و دشواری‌های یک امت برای رسیدن به هدف پیروزی در برابر دشمن است. از توصیه‌های مقام معظم رهبری علیه السلام، انس با نهج البلاغه است که در آن بر صبر تأکید فراوان شده است و شکیبایی را عامل پیروزی ملت‌ها دانسته است. مقام معظم رهبری، بیانات و سیره عملی حضرت علی علیه السلام را که نمونه بی نظیر صبر بوده‌اند، الگوی خود قرار داده‌اند و بیانات خود را بر محور آن پیروزی نموده‌اند. هدف این مقاله، بررسی آثار اجتماعی صبر در بیانات مقام معظم رهبری با استفاده از نهج البلاغه است. این نوشتار از روش کتابخانه‌ای و توصیفی استفاده نموده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نجات از توطئه و قتله دشمن، بهترین راه مقابله با دشمن، پیروزی ملت مسلمان، حفظ ایمان، نجات از استبداد جهانی و شکست تحریم‌ها، از آثار اجتماعی صبر ملت مسلمان در نهج البلاغه و بیانات مقام معظم رهبری است. واژه‌های کلیدی: آثار اجتماعی صبر، امام خامنه‌ای علیه السلام، نهج البلاغه.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۲

۲. طلبه سطح ۴ مؤسسه آموزش عالی معصومیه قم، معاون آموزش حوزه علمیه خواهران هرمزگان، @masnmt110313@gmail.com

۳. طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه الزهراء علیها السلام، بندرعباس، mlayynjmh6@gmail.com

مقدمه

صبر، یکی از فضایل اخلاقی بسیار ارزشمند است که بیش از هفتاد بار در قرآن کریم آمده است. بیشتر سخنان حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه نیز درباره صبر و استقامت است. صبر، تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها و باقی ماندن در میدان است. صبر از مهم‌ترین ارکان ایمان است که امیرمؤمنان علی علیه السلام، موقعیت صبر را در برابر ایمان، همانند موقعیت سر نسبت به بدن دانسته‌اند (نهج البلاغه، حکمت ۸۲).

از توصیه‌های مقام معظم رهبری این است که با نهج البلاغه انس بگیرید؛ زیرا نهج البلاغه درس زندگی برای مردم و ملت‌ها است. ایشان معتقدند که امروز شرائط مشابه شرائط دوران حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، پس روزگار نهج البلاغه است. امروز می‌شود از دیدگاه دقیق و نافذ امیرالمؤمنین علی علیه السلام به واقعیت‌های جامعه و واقعیت‌های جهان نگاه کرد و بسیاری از حقایق را دید و شناخت و علاج آن‌ها را پیدا کرد. لذاست که به نظر ما امروز از همیشه به نهج البلاغه محتاج‌تریم (بیانات مقام معظم رهبری در کنگره بین‌المللی نهج البلاغه، ۱۳۶۳/۱/۲۶).

از آنجا که در طول تاریخ، مردم مسلمان همواره مورد ظلم ستمگران و مستکبرین قرار گرفته‌اند و دشمنان از هرگونه توطئه و مکرری فروگذار نکرده‌اند، امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، از امت‌های مسلمان می‌خواهد تا با صبر، پایداری، بصیرت و با حفظ ایمان خود، نقشه‌های شوم دشمنان را علیه خود خنثی کنند و دشمنان اسلام را شکست دهند و به پیروزی نایل آیند. در خصوص صبر، کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است که از آن جمله نکته‌های قرآنی درباره صبر و حوصله، نوشته عباس‌علی کامرانیان (۱۳۹۴) است. نویسنده در این کتاب به موضوعاتی در مورد دستور قرآن به صبر، آفات عجله و از دست دادن صبر، توصیه خدا به پیامبران به صبر، الگوهای قرآنی صبر و استقامت، فضیلت صبر به عنوان یکی از ارزش‌های مهم اخلاقی، آزمایش شدن بندگان خدا به وسیله صبر، نمونه‌هایی از صبر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، مصداق عمل صالح بودن صبر،

نزول فرشتگان بر صابران، دوستی خدا با صابران، جایگاه مهم صبر در ایمان و اعتقاد و بررسی مصداق صبر جمیل از نگاه قرآن پرداخته است. در اثر دیگر، محمدعلی محیطی اردکان در مقاله «تحلیل فضیلت اخلاقی صبر بر مصیبت در سیره حضرت زهرا (س)» (۱۳۹۹)، به تحلیل صبر بر مصیبت در سیره حضرت زهرا (س) پرداخته است. برخی روایات، صبر را به صبر بر مصیبت، صبر بر طاعت و صبر بر مصیبت تقسیم نموده‌اند. دو قسم اول به روشنی در سیره حضرت زهرا (س) ملاحظه می‌شود، اما از آن جهت که ممکن است با توجه به برخی گزارش‌های نقلی و تاریخی، در صبر ایشان هنگام مصیبت تردید شود، این مقاله کوشیده است تا با تحلیل مفهومی صبر، تصویری درست و روشن از صبر آن حضرت بر مصیبت را ارائه دهد و حضرت زهرا (س) را الگوی صبر برای جهانیان معرفی کند.

تتبع در آثار یاد شده و دیگر کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های نگاشته شده با موضوع صبر نشان می‌دهد که در هیچ اثر مستقلی به بررسی آثار اجتماعی صبر از دیدگاه امیرالمومنین علی (س) و مقام معظم رهبری پرداخته نشده است. در این پژوهش سعی شده است مفهوم صبر و آثار اجتماعی آن در نهج البلاغه و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (ع) بررسی شود.

۱. مفهوم شناسی صبر

صَبْرٌ در لغت به معنای خویشتن داری در سختی و تنگی است (رازی، ۱۳۶۶، ج ۱۶، ص ۱۴۰). صبر حبس و امساک و خویشتن داری و حبس نفس بر چیزی است که شرع و عقل تقاضا می‌کند یا از چیزی که شرع و عقل از آن نهی می‌کنند؛ اگر خویشتن داری در مصیبت باشد، آن را صبر گویند که ضد آن جَزَع است. اگر صبر در جنگ باشد، شجاعت نامند که ضد آن جبن است. اگر هم صبر در پیش آمد باشد، آن را سعه صدر گویند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۰۵). صبر در اصطلاح عبارت است از تحمل دشواری‌ها و ناراحتی‌های بدنی و نفسی و چشم به آینده داشتن و رسیدن به پاداش در برابر صبوری بر مشکلات کنونی (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۰۶). در اندیشه مقام معظم رهبری (ع)، صبر یعنی در میدان باقی ماندن، از میدان بیرون

ترفتن. معظم له می‌فرمایند: «بعضی از میدان می‌گیرند؛ بعضی نمی‌گیرند، اما به تدریج از میدان کناره می‌گیرند؛ این خلاف صبر است. صبر یعنی پایداری کردن، در میدان ماندن، استقامت کردن، صبر، یعنی چشم به هدف‌های دور و به افق‌های دور دوختن (بیانات رهبری در مراسم دانش آموزی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۷/۹/۴). ایشان بر خلاف معنای رایج و عرفی، صبر را به معنای «استقامت» می‌دانند و معادل‌های دیگری نیز مانند «پایداری، ایستادگی، عقب‌گرد نکردن، استحکام، پافشاری» برای آن ذکر کرده‌اند (بیانات رهبری در دیدار با رؤسای سه قوه و مسئولان نظام، ۱۳۸۷/۶/۱۹). معظم له به این بیان چند قید اضافه می‌کنند و می‌فرمایند: صبر، یعنی «مقاومت آدمی در راه تکامل در برابر انگیزه‌های شرّآفرین، فسادآفرین و انحطاط‌آفرین» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۴). ایشان برای توضیح مقصود خود به کوهنوردی مثال می‌زنند که در برابر موانع رسیدن به قلّه مقاومت می‌کند و با اراده و حوصله، آن‌ها را از سر می‌گذراند تا به قلّه برسد. سپس می‌فرماید: «لذا صبر، یعنی در برابر همه موانع رسیدن به تکامل و تعالی، مقاومت ورزیدن و با اراده و عزمی استوار از آن‌ها گذشت و ره سپردن» (همان، ص ۶). این معنا و مفهوم، علاوه بر آنکه برگرفته از آیات و روایات است، با معنای اصلی لغت عرب نیز سازگارتر است، زیرا چنان‌که گذشت، کتب لغت معتبر و قدیم، صبر را به «حبس» و «امساک» معنا کرده‌اند.

۲. آثار اجتماعی صبر

نظر به فرمایشات مولی‌الموحّدین علی علیه السلام و به تبع آن، مقام معظم رهبری در خصوص جایگاه صبر برای دست‌یابی به پیروزی و عزّت مسلمانین، در ذیل به برخی آثار اجتماعی صبر پرداخته شده است.

۱-۲. نجات از توطئه و فتنه دشمن

دشمنان اسلام در پی براندازی حکومت اسلامی هستند و در این راستا از هیچ توطئه‌ای

کوتاهی نمی‌کنند، ولی مسلمانان باید در این راه صبور و ثابت قدم باشند و بصیرت و آگاهی کافی را داشته باشد تا دچار توطئه، مکر و حيله آنها نشود. حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای علیه السلام در این مورد می‌فرمایند:

«هدف آنها [دشمنان اسلام] ایجاد جنگ داخلی بین مسلمان‌ها است و متأسفانه تا حدودی موفق شده‌اند. کشورهای اسلامی را یکی پس از دیگری دارند ویران می‌کنند. سوریه را ویران می‌کنند، یمن را ویران می‌کنند، لیبی را ویران می‌کنند. زیرساخت‌هایشان را از بین می‌برند، چرا؟ چرا ما تسلیم این توطئه بشویم؟ چرا آن چیزی که هدف آنها است، برای ما ناشناخته باقی بماند؟ بصیرت پیدا کنیم؛ اگر می‌خواهیم در این راه موفق بشویم، باید بصیرت پیدا کنیم. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: **أَلَا وَلاَ يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ؛** باید بصیرت پیدا کرد، باید در این راه صبور بود. **«وَإِنْ تَصَبَرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرَّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً»**؛ اگر با بصیرت حرکت کنیم و صبر کنیم و استقامت به خرج بدهیم اثری نمی‌بخشد» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۱۰/۸).

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: **«وَإِنْ تَصَبَرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرَّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ»**؛ «اما اگر در برابر کینه‌توزی‌های آنها استقامت کنید، و پرهیزگار و خویش‌دار باشید، آنان نمی‌توانند به وسیله نقشه‌های خائنانه خود به شما لطمه‌ای وارد کنند، زیرا خداوند به آنچه می‌کنید کاملاً احاطه دارد» (آل عمران: ۱۲۰).

بنابراین از ذیل آیه استفاده می‌شود که در امنیت بودن مسلمانان در برابر نقشه‌های شوم دشمنان مشروط به استقامت و هوشیاری و داشتن تقوی است و تنها در این صورت است که امنیت آنها تضمین شده است. خداوند در این آیه به مؤمنان هشدار داده است تا دشمنان خود را جزء خاصان خویش قرار ندهند و رازهای مسلمانان و نیک و بد ایشان را در برابر این گروه آشکار نسازند، این اعلام خطر به صورت کلی و عمومی است و باید در هر زمان و در هر حال مسلمانان به این هشدار توجه کنند.

برخی مسلمانان از این هشدار غفلت ورزیده‌اند و گرفتار ناپسامانی شده‌اند. هم اکنون در اطراف مسلمانان دشمنانی هستند که خود را به دوستی می‌زنند و به ظاهر از مسلمانان طرفداری می‌کنند، ولی با کارهایی که از خود نشان می‌دهند، معلوم می‌شود که دروغ می‌گویند، مسلمانان فریب ظاهر آن‌ها را خورده به آنان اعتماد می‌کنند، در صورتی که آنان برای مسلمانان جز پریشانی و بیچارگی و تباهی چیزی نمی‌خواهند، و از ریختن خار بر سر راه آن‌ها و به دشواری افکندن کار آنان کوتاهی ندارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۶۶).

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه به بصیرت و صبر اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳): پرچم مبارزه را جز افراد آگاه و با استقامت و عالم به جایگاه حق به دوش نمی‌کشند. ای بندگان خدا، شما را به تقوای الهی (و ترس از عذاب خدا) توصیه می‌کنم؛ چرا که تقوا بهترین چیزی است که بندگان، یکدیگر را به آن سفارش می‌کنند و بهترین پایان کار در پیشگاه خداست. هم اکنون درهای نبرد میان شما و (فتنه جویان از) اهل قبله گشوده شده است و این پرچم (جهاد با مسلمانان منحرف) را جز افراد بینا، با استقامت و آگاه به موارد حق بر دوش نمی‌کشند؛ پس آن چه را به شما فرمان داده شده انجام دهید و در برابر آن چه نهی شده، توقف نمایید و در هیچ کاری عجله نکنید تا به اندازه‌ی کافی درباره‌ی آن تحقیق کنید؛ زیرا ما در برابر آن چه نمی‌پسندید راه‌های تغییر (و جایگزین) داریم (همان).

جمله «و لا یحمل هذا العلم» اشاره دارد به اینکه این پرچم را جز آگاهان با استقامت و کسانی که حق را از باطل به خوبی می‌شناسند، کس دیگر نمی‌تواند بر دوش کشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۵۰۹). بنابراین مردم علاوه بر اینکه باید صبر و استقامت داشته باشند، باید گوش به فرمان رهبر شایسته خود باشند، چون یک رهبر با بصیرت، آگاهی کافی را در هنگام توطئه و فتنه دشمن دارد و با این دو می‌توان از شر توطئه و فتنه دشمن نجات یافت و این از برکات صبر است.

۲-۲. بهترین راه مقابله با دشمن

بهترین راهی که یک ملت مسلمان می‌تواند برای پیروزی بر دشمن بیابد، نیروی صبر و استقامت است. پایداری برای مقابله با دشمن از ویژگی‌های یک ملت است. خداوند متعال در قرآن کریم به مسلمانان برای مقابله با دشمن ابتدا ویژگی‌های دشمن را برای آن‌ها بازگو می‌کند و می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةَ مَن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِن أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴾ (آل عمران: ۱۱۸)؛

«ای اهل ایمان، از غیر هم‌دینان خود دوست صمیمی همراز نگیرید، چه آنکه آن‌ها از خلل و فساد در کار شما ذره‌های کوتاهی نکنند، آن‌ها مایلند شما همیشه در رنج باشید، دشمنی شما را بر زبان هم آشکار سازند و محققا آنچه در دل دارند بیش از آن است. ما به خوبی برای شما بیان آیات کردیم اگر عقل را به کار بندید.»

در تفسیر این آیه آورده شده که بعضی از مسلمانان عصر پیامبر ﷺ یا از روی ساده لوحی و یا به خاطر جلب و جذب کافران به اسلام، با بعضی از آنان دوست می‌شدند و در این دوستی گاهی به مرحله همدلی و همرازی می‌رسیدند با آن‌ها دوست نزدیک و صمیمی می‌شدند و این خطری برای جامعه اسلامی بود، زیرا ممکن بود از طریق همین افراد، به اسرار مسلمانان آگاه شوند و با اطلاعاتی که به دست می‌آورند، در موقع مقتضی به مسلمانان ضربه بزنند. در این دسته از آیات به مسلمانان هشدار می‌دهد و آنان را از همدلی و همرازی با کافران برحذر می‌دارد و از حيله و نیرنگ کافران خبر می‌دهد.

برای هوشیاری و بیداری مسلمانان چنین اظهار می‌دارد که غیر مسلمانان را برای خود محرم اسرار و همدل نگیرید، زیرا که کافران از هیچ‌گونه بدی و تباهی در حق شما کوتاهی نمی‌کنند و اگر بتوانند بر شما ضربه‌های سختی می‌زنند. آن‌ها می‌خواهند که شما در رنج

و زحمت باشید و اگر دقت کنید دشمنی آن‌ها از لابلای سخنانشان پیداست، چون انسان هر قدر هم مواظب گفتارش باشد، باز ماهیت خود را به زبان می‌آورد. تازه آنچه آن‌ها در سینه‌ها و دل‌های خود پنهان کرده‌اند، بزرگتر است و آن کینه و عداوتی است که آن‌ها در دل دارند، ولی برای فریب دادن مسلمانان بر زبان نمی‌آورند.

پس از این تذکرات مهم، راه مقابله با آن‌ها را یادآور می‌شود و می‌فرماید: «وَأِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (آل عمران: ۱۲۰)؛ «اگر شما صبر کنید و تقوا داشته باشید، نیرنگ و حيله آن‌ها در شما کارگر نخواهد بود و آسیبی از ناحیه آن‌ها به شما نخواهد رسید و خداوند بر تمام کارهای آن‌ها احاطه کامل دارد».

باید توجه داشت که این تذکرات هر چند خطاب به مسلمانان عصر پیامبر ﷺ است، ولی مخصوص به آن‌ها نیست، بلکه این رهنمودهای قرآن عام است و شامل حال همه مسلمانان در تمامی اعصار است (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۲۷). امروز نیز مسلمانان باید این هشدارها و تذکرات را نصب العین خود قرار بدهند و کافران را محرم اسرار و همدل و همراز خود نکنند و بدانند که آن‌ها موفقیت و پیشرفت مسلمانان را نمی‌خواهند و اگر سخنی محبت آمیز می‌گویند، برای سرپوش گذاشتن روی کینه‌های باطنی و حيله‌ها و شیطنت‌هایی است که درباره مسلمانان اعمال می‌کنند (همان، ص ۲۲۸).

مقام معظم رهبری ﷺ در بیانات خود می‌فرمایند:

«صبر و تقوا موجب می‌شود که همین دشمن عنود، این کپسول زشت کینه و بغضاء، با همه‌ی توانایی‌هایی که برای خودش فراهم کرده، هیچ غلطی در مقابل شما نتواند بکند: ﴿لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا﴾؛ یعنی هیچ‌زیانی به شما نمی‌تواند برسانند؛ به شرط چه؟ به شرط صبر و تقوا... این درس فقط برای شما هم نیست؛ برای همه‌ی ملت است، برای همه‌ی سپاه است، برای همه‌ی نیروهای مسلح است، برای همه‌ی آحاد جامعه است، بخصوص برای مسئولان و مدیران جامعه‌ی اسلامی است» (بیانات رهبری در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین ﷺ، ۱۳۹۷/۹/۴).

امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه خود اشاره به نکته مهمی می‌کند که در همه فعالیت‌های فردی و اجتماعی تأثیرگذار است. ایشان می‌فرماید: «لَا يَعْدَمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَإِنْ ظَالَ بِهِ الزَّمَانُ»: شخص صبور (و با استقامت) پیروزی را از دست نخواهد داد، هر چند زمان طولانی بگذرد (نهج البلاغه، ۱۵۳). حقیقت صبر همان استقامت است؛ استقامت در برابر موانع وصول به مقصد و پیمودن راه طولانی وصول به هدف و استقامت در برابر دردها و رنج‌ها و کار شکنی‌های این و آن. تا چنین استقامتی در انسان نباشد به جایی نمی‌رسد، زیرا طبیعت زندگی دنیا این است که با مشکلات آمیخته شده و غالباً در کنار گل‌ها خارهایی است و در کنار عسل‌ها نیش زنبورانی. تاریخ نیز بارها و بارها نشان داده است که پیروزی‌ها در انتظار افراد با استقامت و صبور است. قرآن مجید بارها به این حقیقت اشاره کرده است. از جمله در داستان یوسف می‌گوید: هنگامی که برادران آمدند و او را شناختند، پرده از راز خود برداشت و این جمله را گفت: «أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف: ۹۰)؛ «من یوسفم، و این برادر من (بنیامین) است؛ خداوند بر ما منت گذارد. هر کس تقوا پیشه کند و شکیبایی و استقامت نماید (سرانجام پیروز می‌شود)؛ چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند».

درباره بنی اسرائیل نیز بعد از آنکه بر فرعونیان پیروز شدند، فرمود:

«وَأَوْزَنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُشْتَبِعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا
وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا» (اعراف: ۱۳۷)؛

«و مشرق‌ها و مغرب‌های پربرکت زمین را به آن قوم که (زیر زنجیر ظلم و ستم) به ضعف کشانده شده بودند، واگذار کردیم؛ و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، به خاطر صبر و استقامتی که به خرج دادند، تحقق یافت».

امام امیرمؤمنان علی علیه السلام در عبارت کوتاه‌تری می‌فرماید: «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الظَّفَرِ»: صبر و استقامت کلید پیروزی است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۲۲).

بهترین شاهد و گواه برای کلام امام علی علیه السلام، مطالعه تاریخ گذشتگان در تمامی

رشته‌های علمی، صنعتی، سیاسی و اجتماعی کسانی است که به خاطر برخورداری از صبر و استقامت بیشتر، پیروز شدند، همان‌ها که بر مرکب صبر سوار شدند و به سوی مقصد تاختند و شاهد مقصود را در آغوش گرفتند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۳، ص ۲۷۰).

۲-۳. پیروزی ملت مسلمان

اگر پیروزی، عوامل مختلفی داشته باشد - که دارد - یکی از عمده‌ترین و مهم‌ترین اسباب آن، صبر و استقامت است. ارتباط این دو با هم، آنچنان روشن است که ادبای معروف، از قدیم، صبر و ظفر را در کنار هم قرار داده‌اند. در قرآن مجید، این حقیقت، به روشنی بیان شده است تا آنجا که در مورد پیروزی سپاه اسلام، سبب آن را صبر و استقامت می‌شمرد و می‌فرماید: «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا» (انفال: ۶۵): «هرگاه، بیست نفر از شما، صاحب صبر و استقامت باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر». به همین دلیل، در غزوات اسلامی - که غالباً، نابرابری نفوس و تجهیزات جنگی وجود داشت و موازنه قوا از این نظر، به نفع دشمن بود - مسلمانان در سایه صبر و استقامت، بر دشمنان خود پیروز می‌شدند، صبر و استقامتی که برخاسته از ایمان به خدا و اعتقاد به معاد بود.

حضرت آیت الله العظمی خاмене‌ای رحمته الله علیه می‌فرمایند:

«آن جایی که هدف درست باشد، مجاهدت هم باشد، نصرت الهی هم قطعاً هست. البته نصرت الهی به معنای این نیست که آزمایش‌های دشوار و سخت نیست؛ چرا: «وَلَنبَلُوَنَّكُمْ بِشْيءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ»؛ این‌ها هست و همه این‌ها در سر راه مبارزه وجود دارد؛ اما «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ». صبر، یعنی ایستادگی؛ تداوم راه؛ این مورد بشارت الهی است؛ یعنی پیروزی نصیب خواهد شد» (بیانات رهبری در دیدار

نمایندگان مجلس، ۱۳۸۲/۳/۷).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الصَّبْرُ يُعَقِّبُ خَيْرًا، فَاصْبِرُوا تَقْفُرُوا»؛ عاقبت صبر و شکیبائی خیراست، بنابراین صبرکنید، تا پیروز شوید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۹۶). در نهج البلاغه آمده است: «وَاسْتَشْعِرُوا الصَّبْرَ فَإِنَّهُ أَدْعَى إِلَى النَّصْرِ» و شکیبایی را شعار خود قرار دهید (در جنگ پایداری کنید و صدمات آنرا متحمل شوید) که مهمترین راه رسیدن به فتح و پیروزی و غلبه بر دشمن شکیبائی است (نهج البلاغه، خطبه ۲۶). امام علی علیه السلام روی این مسأله تکیه فرموده و با صراحت می‌گوید: «وَاسْتَشْعِرُوا الصَّبْرَ فَإِنَّهُ أَدْعَى النَّصْرَ»؛ صبر و استقامت را شعار خویش سازید! بیش از هر چیز، پیروزی را به سوی شما فرا می‌خواند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۲۹). امام صبر را برترین عامل پیروزی دانسته‌اند. این گفته حضرت نتیجه است برای کسانی که شکیبایی را شعار خود قرار دهند (ابن هبش، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۳).

۲-۴. حفظ ایمان

صبر از مهم‌ترین ارکان ایمان است. امیرالمومنین علی علیه السلام، موقعیت صبر را در برابر ایمان، همانند موقعیت صبر نسبت به بدن می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۲۸) که نقش کلیدی در تمام ابعاد زندگی انسان دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ إِنَّ الْجَبَلَ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ وَ الْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ بِشَيْءٍ» (طبرسی، ۱۳۴۴، ص ۹۷)؛ مرد با ایمان، ثبات و پایداریش از کوه بیشتر است؛ زیرا کوه به وسیله کلنگ، کم و کاسته می‌شود، ولی ایمان مؤمن با هیچ کلنگی کم نمی‌شود. پاریتهالی می‌فرماید: «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبا باشید و دیگران را به شکیبایی فراخوانید و در جنگ‌ها پایداری کنید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید» (آل عمران: ۲۰۰). این دستور بزرگ و بی‌نظیر که بهترین راه رستگاری و کامیابی را نشان می‌دهد، مشتمل بر چهار فرمان است که اگر مسلمانان آن‌ها را اطاعت کنند، کامیابی در دنیا و آخرت را دارا خواهند شد.

- فرمان اول: در آغاز، امر به صبر و شکیبایی است، می فرماید: در زندگانی که سراسر سختی و مشقت است، جز پایداری در برابر آن‌ها، راه دیگر برای موفقیت نیست، کسی که نتواند در برابر فشارها و سختی‌های زندگی بردباری کند در مبارزه زندگی خورد خواهد شد.
 - فرمان دوم: فرمان دوم آن است که در صبر و پایداری، از دشمنان خود پیشی گیرند، مسلمانان در جهاد و پایداری باید مقاومتشان بیش از دشمنانشان باشد. در جای دیگر قرآن می فرماید: «إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ» (نساء: ۱۰۴)؛ «اگر شما درد می کشید، دشمن شما نیز مانند شما درد میکشد، ولی شما امید پاداش خدا دارید، ولی آن‌ها ندارند».
 - فرمان سوم: خداوند مسلمانان را به عزم راسخ و ثبات قدم در عقیده فرا می خواند که هشیار باشند که در اثر تبلیغات شوم، سستی ایمان به آن‌ها دست ندهد و باید کاملاً هشیار و آگاه و آماده باشند که تبلیغات زهرآگین دشمنان اسلام در مغز آن‌ها اثر نکند.
 - فرمان چهارم: دعوت مسلمانان به تقوا و پرهیزکاری است. در آخر آیه مبارکه می فرماید: «اگر از فرمان‌های چهارگانه حضرت حق اطاعت کنند، امید رستگاری و کامیابی در دنیا و آخرت برای ایشان خواهد بود» (صدر، ۱۳۷۷، ص ۸۲-۸۰).
- مقام معظم رهبری در جمع سپاهیان و بسیجیان لشکر ۱۰ سیدالشهداء علیهم‌السلام می فرمایند:
- «عزیزان من! بعضی از سرمایه‌های معنوی، با همه‌ی ارزشی که دارند، نیازمند حفظ کردنند. مثلاً محبت را باید حفظ کرد؛ مثل گیاهی است که اگر به آن نرسیدید، از دست خواهد رفت. ایمان از این قبیل است. ایمان را باید حفظ کنید. حفظ ایمان، با رفتار خوب، با تأمل و تدبیر خوب، با توجه به خدا، با حفظ و تقویت ارتباط یا خداست. حفظ این گوهر، با توأسی به حق و توأسی به صبر است. هر دو نفرتان، یکدیگر را به حق و صبر توصیه کنید. صبر، یعنی پایداری و استقامت» (بیانات رهبری، ۱۳۷۷/۷/۲۶).

هیچ فضیلتی بدون صبر ممکن نیست و کمترین مرحله آن، استقامت در راه فراهم آوردن فضیلت‌ها و سپس پایدار داشتن آن‌ها و همچنین از دست ندادن آن‌هاست، از این روست که امام علی علیه السلام، صبر را نسبت به ایمان تشبیه به سر نسبت به تن نموده است، به دلیل آنکه ایمان بدون صبر ممکن نیست. آنگاه تشبیه و مناسبت بین آن دو را با این بیان مورد تأکید قرار داده است و می‌فرماید: «وَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ، فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ، وَلَا فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ» (نهج البلاغه، حکمت ۸۲)؛ بر شما باد که صبر و استقامت را پیشه کنید، زیرا صبر و استقامت در برابر ایمان همچون سر است در برابر تن، تن بی سر فایده‌ای ندارد، همچنین ایمان بدون صبر و استقامت.

مهم‌ترین حواس انسان در سر اوست: بینایی، شنوایی، چشایی و بویایی و مهم‌ترین ابزار ارتباط انسان با دیگران که زبان است، در سر قرار دارد. دروازه ورود غذا به بدن؛ یعنی دهان نیز جزو این پیکر است. از همه مهم‌تر، فرمانده تمام اعضا که مغز است، در وسط جمجمه قرار دارد که اگر کمترین آسیبی به آن برسد، بخشی از فعالیت‌های بدن تعطیل می‌شود. در سکنه مغزی که گاه نیمی از بدن انسان فلج می‌گردد، عامل اصلی خونریزی بعضی از رگ‌ها مغز است که آن بخش را از کار انداخته است. امروز در بسیاری از شهرهای صنعتی اتاق کنترلی وجود دارد که از آنجا به تمام بخش‌ها فرمان لازم داده می‌شود و یا دستور توقف می‌دهند. مغز انسان در واقع اتاق کنترل تمام بدن است. همه این‌ها در سر قرار دارد؛ اگر سر از بدن جدا شود، انسان دست و پای مذبوحانه‌ای می‌زند و پس از چند دقیقه تمام دستگاه‌ها تعطیل می‌شود. صبر و استقامت نسبت به ایمان نیز چنین است. اگر از ایمان جدا شود، دوام و بقایی برای ایمان نخواهد بود؛ زیرا نه در برابر گناه تاب تحمل ترك دارد، نه در برابر مشکلات اطاعت، توانی در خود می‌بیند و نه در مصائب صبر می‌کند. به همین دلیل هنگامی که فرشتگان رحمت به استقبال بهشتیان می‌آیند به آن‌ها می‌گویند: «این همه نعمت در برابر صبر و استقامتی است که به خرج دادید»:

﴿وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ * سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾

(رعد: ۲۳ و ۲۴): «مؤمنان وارد باغ‌های جاویدان بهشتی می‌شوند و همچنین پدران، همسران و فرزندان صالح آن‌ها و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می‌شوند و به آن‌ها می‌گویند سلام بر شما (این‌ها همه) به دلیل صبر و استقامتتان است؛ چه نیکو است سرانجام آن سرای جاویدان».

پیغمبر اکرم ﷺ در حدیث پرمعنایی فرموده‌اند: «الصَّبْرُ خَيْرٌ مَّرْكَبٍ مَا رَزَقَ اللَّهُ عَبْدًا خَيْرًا لَهُ وَلَا أَوْسَعَ مِنَ الصَّبْرِ»؛ (شهید ثانی، ۱۴۰۷ق، ۴۵) «صبر بهترین مرکب راهوار است و خداوند هیچ بنده‌ای را چیزی بهتر و گسترده‌تر از صبر (و استقامت) نداده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص ۴۹۵-۴۹۴).

۲-۵. نجات از استبداد جهانی

یکی از آثار صبر، نجات از استبداد است که یک ملت می‌تواند با استفاده از آن در مقابل هرگونه استبداد و استکباری رهایی یابد. حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای رحمته الله در یکی از سخنرانی‌های خود می‌فرماید: «ما می‌توانیم استکبار جهانی را در سطح بین المللی، بشکنیم، البته با صبر و حوصله، با استمرار مبارزه و تلاش این کار شدنی است» (بیانات رهبری در دیدار با دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان و پرستاران، ۱۳/۸/۱۳۷۱).

خداوند در سوره اعراف به مردم می‌گوید که اگر سه برنامه را عملی کنند، قطعا بر دشمن پیروز خواهند شد؛ نخست اینکه تکیه‌گاهشان تنها خدا باشد و از او یاری بطلبند: «قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ» (اعراف: ۱۲۸)؛ دیگر اینکه به آن‌ها می‌گوید: «استقامت و پایداری پیشه کنید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۳۱۰) و از تهدیدها و حملات دشمن نهراسید و از میدان بیرون نروید «وَ اضْبِرُّوا» و برای تأکید مطلب و ذکر دلیل، به آن‌ها گوشزد می‌کند که «سراسر زمین از آن خدا است و مالک و فرمانروای مطلق او است و به هر کس از بندگان بخواند آن را منتقل می‌سازد»: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» و آخرین شرط این است که تقوا را پیشه کنید، زیرا عاقبت پیروزمندانه از آن پرهیزکاران است: «وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ». این سه شرط که یکی از آن‌ها در زمینه عقیده (استعانت جستن از خدا) و

دیگری در زمینه اخلاق (صبر و استقامت) و دیگری در زمینه عمل (تقوی و پرهیزکاری) تنها شرط پیروزی قوم بنی اسرائیل به دشمن نبود، بلکه هر قوم و ملتی بخواهند بر دشمنانشان پیروز شوند، بدون داشتن این برنامه سه ماده‌ای امکان ندارد: افراد بی‌ایمان و مردم سست و ترسو، و ملت‌های آلوده و تبه‌کار، اگر هم پیروز گردند، موقتی و ناپایدار خواهد بود. قابل توجه اینکه این سه شرط هر کدام فرع بر دیگری است، پرهیزکاری بدون استقامت در برابر شهوات و زرق و برق جهان ماده ممکن نیست، همان طور که صبر و استقامت نیز بدون ایمان به خدا، بقاء و دوام ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۳۱۱).

خداوند در سوره آل عمران می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شکیبایی کنید و در شکیبایی بر یکدیگر سبقت بگیرید و در مرزها آماده باشید؛ باشد که رستگار شوید».

در رویارویی با دشمنان، از کفار و توانگران و احبار، ناگزیر باید چشم به پیروزی آینده داشت و بر رنج و آزاری که در راه مبارزه موجود است شکیبا بود و روحیه مثبت بودن را در میان امت رواج داد تا بعضی از آنان بعضی دیگر را به صبر کردن سفارش کنند و عملاً به آمادگی دائم برای رو به رو شدن با دشمن بیندیشند و در فرمانبرداری از مقام رهبری امت، کمال انضباط را داشته باشند که راه نیکبختی، خواه در سطح امت و خواه در سطح افراد، همین است (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۷).

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «وَالصَّبْرُ شَجَاعَةٌ»؛ صبر شجاعت است (خوئی، ۱۴۰۰، ج ۲۱، ص ۱۰).

بدیهی است صبر چه در مقابل عوامل معصیت باشد، چه در مسیر اطاعت پروردگار، چه در برابر مصائب روزگار انجام گیرد، نوعی شجاعت محسوب می‌شود و تنها شجاعانند که از عهده شکیبایی در این مراحل سه‌گانه بر می‌آیند. نمونه کامل این سخن همان چیزی است که امیر مؤمنان علی علیه السلام در صدر اسلام از پیغمبر صلی الله علیه و آله و یاران باوفایش تجربه کرده بود؛ آن‌ها که در برابر انواع مشکلاتی که از سوی دشمنان اسلام هر روز به شکلی انجام

می شد، صبر و استقامت می کردند و با شجاعت تمام آن ها را پشت سر گذاشتند و اگر این شکیبایی شجاعانه مسلمانان صدر اول در دوران محاصره شعب ابی طالب و هجرت به حبشه و سپس هجرت به سوی مدینه و بعد از آن حضور در میدان های جنگ بدر، خیبر، خندق و حنین نبود، امروز آیینی به نام اسلام بر بخش عظیمی از جهان سایه نیفکنده بود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص ۴۶).

۲-۶. شکست تحریم ها

در هیچ جای تعلیمات دینی نیست که انسان در مقابل فشارهای جهان و روزگار یا در مقابل فشارهای اجتماع دست روی دست بگذارد و از خود دفاع نکند، بلکه برعکس یکی از اصول تعلیم و تربیت دینی اصل دفاع از خود و اصل استیفای حقوق است. اهمال در دفاع از خود و اهمال در استیفای حقوق، در ردیف گناهان شمرده می شود. حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «لَا يَمْتَنِعُ الضَّيْمُ الدَّلِيلُ وَلَا يُدْرِكُ الْحَقُّ إِلَّا بِالْحِدْيَةِ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۹)؛ انسان ذلیل و زیبون نمی تواند خواری و ذلت ظلم را از خود دفع کند و به حق نمی توان رسید مگر با جدیت و تصمیم (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹). ملت ها باید در مقابل ظلم با صبر و استقامت بایستند، هر چند که تعدادشان اندک باشد. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرمایند: «وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ نُقْتَلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاؤَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا، مَا تَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا وَ مُضِيًّا عَلَى اللَّقْمِ وَ صَبْرًا عَلَى مَضَضِ الْأَمِّ وَ جِدًّا فِي جِهَادِ الْعَدُوِّ، وَ لَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ مِنَّا وَ الْآخَرُ مِنْ عَدُوِّنَا يَتَصَاوِلَانِ تَصَاوُلَ الْفُحْلَيْنِ يَتَخَالَسَانِ أَنْفُسَهُمَا أَيُّهُمَا يَسْقِي صَاحِبَهُ كَأْسَ الْمُسُونِ فَفَرَّةً لَنَا مِنْ عَدُوِّنَا وَ مَرَّةً لِعَدُوِّنَا مِنَّا، فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكُتُبَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ» (آئینی، ۱۳۷۸، ۱۲۳)؛

با رسول الله صلی الله علیه و آله بودیم و پدران و فرزندان و برادران و عموهای خود را می کشتیم که این جز به ایمان ما نمی افزود، که بر راه راست بودیم و بر سوزش آلام شکیبایی می ورزیدیم و در جهاد با دشمن، به جد ایستاده بودیم، بسی مردی از ما و مردی از دشمنان ما، مردانه پنجه

در می‌افکندند تا کدام یک دیگری را شرنگ (به کام) مرگ کشاند. گاه ما بودیم که جام مرگ از دشمن می‌گرفتیم و گاه دشمن بود که جام مرگ از ما می‌گرفت، چون خداوند صداقت ما را در پیکار دید، دشمن ما را خوار و زبون ساخت و ما را پیروزی داد.»

مقام معظم رهبری علیه السلام، صبر انقلابی را موجب پیروزی و نصرت الهی در مقاطع مختلف تاریخی ملت می‌دانند و می‌فرمایند:

« مسیر زندگی انسان‌ها بر اساس سنت‌های الهی و تاریخی همواره صحنه جدال حق و باطل بوده و در این میان آنچه که آینده را تعیین می‌کند، نقش انسان‌ها، انتخاب‌ها و چگونگی رفتارهای آن‌هاست. امتی که در مسیر دعوت انبیا و اولیا حرکت کرده و با شناخت مسیر و بصیرت و تشخیص برای رسیدن به اهداف متعالی تلاش کردند و در این راه سختی‌ها و ناملایمات و دشواری‌ها را به جان خریدند، موفق شده و توانستند پیروزی را نصیب خود کنند. آری، سنت الهی مطابق آیه ۱۳ رعد، این است که خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند. مسیری که مردم ایران با تکیه بر صبر و بصیرت انقلابی در ساقط کردن استبداد نظام شاهنشاهی، دوران جنگ تحمیلی، فتنه‌های گوناگون، تحریم‌های اقتصادی و جنگ نرم علیه فرهنگ و اعتقاداتشان، پشت سر گذاشتند و حاصلش سربلندی و استقلال همه جانبه و اقتدار کشور شده است و قدرت آمریکا، دولت آمریکا، استکبار آمریکا که در مقابل ملت ایران قرار گرفته بود و این مبارزه طولانی را از سال ۳۲ با ملت ایران شروع کرده بود، در این مبارزه، آنکه شکست خورده، همان دولت مستکبر متکبر خود بزرگبین آمریکاست؛ و آنکه پیروز شده، ملت سرافراز، مصمم و مقتدر ایران است (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۸/۱۰).

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «يَنْزِلُ الصَّبْرُ عَلَى قَدْرِ الْمُصِيبَةِ، وَ مِنْ صَرَبَ يَدُهُ عَلَى فِخْرِهِ

عِنْدَ مُصِيبَتِهِ، حَيْطَ [أَجْرُهُ] عَمَلُهُ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۴)؛ صبر به اندازه مصیبت فرود آید و آنکه در مصیبت بی تاب بر رانش زند، اجرش نابود می شود. امام علیه السلام در این بیان نورانی خود سفارش می کنند که صبر و شکیبایی به اندازه مصیبت نازل می شود و کسی که دستش را (به عنوان بی تابی و ناشکری) به هنگام مصیبت بر زانو زند، اجر او ضایع می گردد (و پاداشی در برابر مصیبت نخواهد داشت). شك نیست که در زندگی دنیا همیشه مشکلاتی بوده و خواهد بود. این طبیعت حیات دنیا است؛ ولی خداوندی که انسان را برای زندگی در این جهان آفریده، نیروهایی در وجود او برای مقابله با مشکلات خلق کرده است؛ از جمله صبر و تحملی که به انسان داده تا بتواند مصائب را برتابد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۳، ص ۱۷۱).

گاهی انسان فکر می کند که این سختی های تحریم، انسان را از پای در می آورد، ولی اگر به پایان آن نگاه کند، می بیند که برعکس؛ هرچه سختی و فشار دشمن بیشتر باشد و صبر انسان بیشتر باشد، موجب استقلال و خوداتکایی بیشتر می شود و باعث می شود از نگاه کمک به بیرون از مرزها ناامید شود و تلاشش را بیشتر کند و خود راه موفقیت پیماید و وقتی دشمن این را ببیند، شکست را به معنای واقعی کلمه خورده است.

آری، یک ملت مسلمان می تواند با مقاومت در برابر تحریم های ظالمانه دشمنان و استکبارستیزان، آنان را شکست داده و پیروز واقعی میدان شود، همچنان که تا به حال پیروز باقی مانده است، به شرط اینکه مقاومت و صبر خود را نگه دارد و تقویت کند و ناامید نشود.

نتیجه گیری

صبر یکی از فضایل اخلاقی و بسیار ارزشمند است که در قرآن و نهج البلاغه به آن سفارش بسیار شده است و مقام معظم رهبری بر آن تأکید فراوان کرده اند. صبر در زندگی اجتماعی، تحمل دشواری ها و سختی هایی است که در مقابل دشمنان برای به دست آوردن پیروزی باید تحمل کرد. صبر آثار و برکات زیادی در زندگی مردم دارد که ملل مسلمان می توانند با شکیبایی و بصیرت و آگاهی، بر توطئه ها و فتنه های دشمن فایز آیند. در

بیانات امام علی علیه السلام، صبر از ارکان ایمان شمرده شده است و صبر در برابر ایمان همانند موقعیت سر نسبت به بدن دانسته شده است که نقش کلیدی در تمام ابعاد زندگی انسان دارد. ملت مسلمان با مقاومت می‌تواند استکبار جهانی را علیه خود شکست دهد و از هرگونه چپاولگری ایشان رهایی یابد و در مقابل تحریم‌ها و فشارهای نابرابرانه دشمن پیروز شود؛ زیرا مصیبت اندازه صبر ملت نازل می‌شود و با شکیبایی و مقاومت، پیروزی واقعی حاصل خواهد شد. در نتیجه، نجات از توطئه و فتنه دشمن، بهترین راه مقابله با دشمن، پیروزی ملت مسلمان، حفظ ایمان، نجات از استبداد جهانی و شکست تحریم‌ها، از آثار اجتماعی صبر ملت مسلمان در نهج البلاغه و بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۱. نهج البلاغه، ترجمه: عبدالحمید آیتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۸ش.
 ۲. ابو الفتح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر قرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
 ۳. ابن میثم، میثم بن علی، ترجمه و شرح نهج البلاغه ابن میثم، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش.
 ۴. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، هجرت، ۱۳۷۷ش.
 ۵. خامنه ای، سید علی، گفتاری در باب صبر، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹ش.
 ۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی، *مُسکَنُ الْفُؤَادِ عِنْدَ فَقْدِ الْأَحْتَبِ وَالْأَوْلَادِ*، قم، بصیرتی، بی تا.
 ۷. صدر، سید رضا، استقامت، چاپ دوم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ش.
 ۸. طبرسی، علی بن حسن، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، چاپ دوم، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ق.
 ۹. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش.
 ۱۰. مدرسی، سید محمد تقی، تفسیر هدایت، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ش.
 ۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش.
 ۱۲. مطهری، مرتضی، حکمت ها و اندرزها، چاپ هفتم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۹ش.
 ۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از فضلا، *اخلاق در قرآن*، قم، مدرسه الامام علی ابن ابیطالب علیه السلام، ۱۳۷۸ش.
 ۱۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام*، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
 ۱۵. مراغی، احمد بن مصطفی، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء اسلامی، بیروت، بی تا.
 ۱۶. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، چاپ چهارم، تهران، مکتبه الإسلامیة، ۱۴۰۰ق.
 ۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، *پیام امام امیر المومنین علیه السلام*، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۸۶ش.